

را فراتر از یک فرد روحانی، حتی او را خدا می‌دانستند و چون این فرعون سلطه بی‌حد و حصر و بی‌رقیب داشت، منطقه نیل تا حدودی، منطقه‌ای آرام و بدون جنگ بود؛ به همین دلیل، شهرهای این منطقه اغلب فاقد دیوار بودند. هر فرعونی برای خود پایتختی داشت و در آن صنعت‌گران به ساختن قصر زیبا برای زمان حیاتش و معبد باشکوهی برای پس از مرگش می‌پرداختند. هر چند شهرهای مصر مانند شهرهای بین‌النهرین نبودند، ویژگیهای خاص خود را داشتند؛ مانند: ساختار نابرابر قدرتی، تقسیم کار اجتماعی، نابرابری اجتماعی و برخورداری از نظام اداری (با استفاده از خط هیروگلیفی - خط تصویری و کاغذ پاپیروس). با آنکه شهرهای اولیه منطقه مصر از فضای صلح‌آمیز بهره‌مند بودند، در شهرهای بعدی چنین نبود و مانند شهرهای بین‌النهرین مملو از جنگ و کشمکش شدند (چه در درون امپراتوری و چه بین امپراتوری و سایر امپراتوریها). فراغته بعدی دائماً به مناطق اطراف خود حمله می‌کردند و برده می‌آوردند تا برایشان قصر یا شهر بسازند؛ بردگان در این دوران اهرام ثلاثه یا مجسمه ابوالهول را ساختند. بعدها این امپراتوری شاهد قحطی، شورش و آشوب بسیاری شد.

سپس اسکندر مصر را تصرف کرد و شهر اسکندریه را در رأس رود نیل ساخت. به اعتقاد برخی از محققان این تجار بودند که ایده شهر را از منطقه بین‌النهرین به دو سو اشاعه دادند: از غرب به مصر و از شرق به دره هند (Macionis et al., 2001).

منطقه هند

در شرق منطقه بین‌النهرین، محل فعلی هند و پاکستان، سومین نقطه‌ای بود که زمینه برای پیدایش شهر مساعد بود. پیدایش این شهرها به حدود ۲ هزار و ۵۰۰ قبل از میلاد می‌رسد. تحقیقات نشان داده است که این شهرها با شهرهای بین‌النهرین ارتباط تجاری داشتند؛ این ارتباط از طریق برخی شهرها، مثل تپه یحیی در ایران صورت می‌گرفت. از ویژگیهای جالب در این شهرها وجود سیستم فاضلاب شهری بود. همچنین، در این شهرها صنعت‌گران زیادی مشغول به کار بودند. در وسط شهر در

کنار مرکز اداری، محل انبار غله مازاد بوده است. برخلاف شهرهای بین‌النهرین یا مصر، در شهرهای این منطقه چندان اعمال قدرت یک حاکم مطلق یا تأثیرگذاری مذهب بر شهر دیده نمی‌شود. نابودی شهرهای این منطقه اغلب به دلایل شرایط اقلیمی، نظیر طغیان رودخانه و یورشهای بیرونی بوده است (فکوهی، ۱۳۸۵).

تا چند وقت پیش، تصور می‌شد که بین‌النهرین، مصر و دره هند، کانون پیدایش شهرهای جهان بوده‌اند. ولی اکنون به نظر می‌رسد که مراکز دیگری نیز در چین و آمریکا وجود داشته است.

شهرهای چین

پیدایش شهرها در چین به حدود ۲ هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. گسترش شهرنشینی در چین بیشتر در دوره خاندان چو صورت گرفت و تعداد زیادی شهر کوچک شیه قلعه پدید آمدند (همو، ۱۳۸۵). در مرکز این شهرها، گروهی از نخبگان سیاسی و مذهبی زندگی می‌کردند و سایر مردم از آنان جدا بودند، مانند صنعتگران؛ این جداسازی از مهم‌ترین ویژگیهای شهرهای چین بوده است.

شهرهای یونان

پیدایش شهر در مغرب‌زمین، دیرتر روی داد. کیتو (Kitto, 1951) معتقد است که پیدایش شهرهای یونان به قرن پنجم قبل از میلاد می‌رسد. اولین شهرها در کرت^۱ پدیدار شدند که پیدایش آنها احتمالاً ناشی از تأثیر بازرگانان منطقه بین‌النهرین در آنجا بوده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این شهرها برای مدتی وجود داشتند، اما پس از مدتی از سکنه خالی شدند. دلیل آن کاملاً مشخص نیست؛ یکی از فرضیات وقوع آتشفشان است و پس از مدت طولانی دوباره شهرها در سرزمین یونان پدیدار شدند. شهرهای اولیه یونان به پولیس معروف بودند که مترادف با مفهوم شهر است؛ یعنی اینکه به صورت خودفرمان و خودکفا اداره می‌شدند (خمر، ۱۳۸۵). کیتو معتقد است که این مفهوم به معنی شهروندی

جمعی یا همان مفهوم اجتماع است، یعنی تعلق خاطر فرد به شهر و همشهریهای خود (Kitto, 1951).

البته شهرهای باستانی یونان در مقایسه با شهرهای بین‌النهرین و مصر الگویی متفاوتی داشتند؛ از دلایل آن این بود که شهرهای یونان بیشتر در دره‌های کوهستانی باریک واقع شده بودند نه در دشتهای وسیع و گسترده و نیز عوامل محیطی همواره نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شهرهای اولیه داشته‌اند.

شهرهای یونان اغلب کوچک بودند و جمعیتی در حدود چند هزار نفر داشته‌اند؛ یونانیان باستان این شهرها را ترجیح می‌دادند. هم افلاطون و هم ارسطو معتقد بودند که حکومت خوب با اندازه شهر رابطه دارد. افلاطون معتقد بود که جمهور ایدئال باید دقیقاً ۵ هزار و ۴۰ نفر شهروند داشته باشد؛ زیرا می‌توان این عدد را به ۵۹ عدد تقسیم کرد، پس به راحتی می‌توان برای اهداف مختلف به تقسیم‌بندی جمعیت شهر پرداخت. لوئیس مامفورد در این زمینه به دو دلیل احتمالی اشاره دارد: (۱) به سختی می‌توان جمعیت بزرگ را به طور کامل کنترل کرد، و (۲) بدین ترتیب می‌توان مطمئن بود که به اندازه کافی برای همه مردم شهر غذا وجود خواهد داشت (Mumford, 1961).

نظرات ارسطو در مورد اندازه ایدئال شهر چندان دقیق نیست، اگرچه او نیز معتقد بود که اگر افزایش جمعیت شهر از یک حد فراتر رود سبب می‌شود تا شهر کاملاً تغییر کند. به نظر او شهر باید آنقدر بزرگ باشد که بتواند از خود دفاع کند و از نظر اقتصادی خود کفا باشد ولی نباید آنقدر بزرگ باشد که ساکنانش نتوانند یکدیگر را بشناسند (Palen, 2002). او در کتاب سیاست خود می‌گوید که شهری ایدئال آنقدر کوچک است که شهروندانش قادرند صدای یکدیگر را بشنوند. برای شهر یونانی، رابطهٔ چهره به چهره^۱ بسیار مهم بود (Legates and Stout, 2000).

شهرهای یونان با آنکه از نظر وسعت و جمعیت کوچک بودند، در زمینه‌های بسیاری نظیر: فلسفه، ادبیات، شعر، منطق، ریاضیات، پیکرتراشی و معماری اهمیت بسیاری داشتند؛ به طوری که بر تمدن غرب تأثیرات عمیقی گذاشتند (Macionis et al., 2001).

بزرگ‌ترین موفقیت یونانیها در زمینه فناوری نبود، بلکه در سازمان‌دهی

اجتماعی بود. وجود پولیس یا شهر- دولت سبب می‌شد تا خانواده‌ها و قبایل از یکدیگر حمایت کنند؛ زیرا همگی شهروند یک دولت مشترک بودند. شهروند آتن کسی بود که حق داشت در معبد آتن به پرستش پردازد و از شهر- دولت آتنی حفاظت کند. شهر باستانی آتن یک اجتماع مذهبی بود. این که سقراط وجود خدایان را زیر سؤال برد، توهین بزرگی محسوب می‌شد؛ زیرا او با نقد دین، پایه شهروندی را در شهر- دولت مختل کرد و به همین جهت با نوشیدن شوکران سمی مجازات شد.

برای یونانیها، شهروند یک شهر بودن، اهمیت بسیار داشت. ارسطو در تعریف انسان می‌گوید: انسان کسی است که ماهیتاً شهروند شهر باشد.^۱ برای یونانیها بزرگ‌ترین مجازات، ممانعت از ورود فرد به شهر بود؛ بیرون بودن از دیوارهای شهر به معنای دور بودن از زندگی متمدن بود. به نظر ارسطو انسان مخلوقی است که در پولیس زندگی می‌کند؛ زیرا پولیس تنها جایی است که آدمی می‌تواند تمام تواناییها و قابلیت‌های معنوی، اخلاقی و فکری خود را به‌طور کامل محقق سازد.^۲

از دیگر ویژگیهای جالب این شهرها، دموکراسی بودن آنهاست. البته دموکراسی این شهرها کامل نبود و همه افراد را شامل نمی‌شد. زنان، کودکان، برده‌ها و خارجیها از حقوق شهروندی محروم بودند؛ با وجود این، لوئیس مامفورد در کتابش به نام شهر در تاریخ (Mumford, 1961) مدعی است که یونانیها بیشتر از مصریان یا سومریها تواناییهای انسانی را کشف کردند.

در پولیس، زنان، کودکان، خارجیها و بردگان، شهروند محسوب نمی‌شدند؛ بنابراین، نقشی در حیات پولیس نداشتند. البته پتر هال مدعی است که اگرچه در این شهرها، کشاورزان و مردم عادی دارای حق رأی بودند، عملاً مشارکت فعالی نداشتند و بیشتر مشاهده‌گر منفعل بودند. به‌علاوه، در شهرهای یونان خارجیها نیز حقوق محدودی داشتند؛ اما در مقایسه با شهرهای زمان خود و قبل از خود، بسیار

1. man in by nature a citizen of the city

۲. به‌نظر می‌رسد منظور ارسطو اینکه آدمی را حیوان سیاسی (political animal) می‌داند، یعنی حیوانی است که به پولیس تعلق دارد؛ زیرا کلمات: citizen urban، و politics همگی ریشه از کلمات لاتینی دارند که به شهر مربوط می‌شوند.

دموکرات‌تر بودند (Hall, 1984).

به اعتقاد مامفورد، شهرهای یونان در مقایسه با شهرهای منطقه خاورمیانه، به مراتب قائل به تساوی بودند؛ زیرا در شهرهای بین‌النهرین و مصر قدرت در دست یک گروه کوچک نخبه تمرکز داشت (Mumford, 1961).

در شکل فیزیکی شهرهای یونان تأکید فراوانی بر فضاهای عمومی می‌شد. خانه‌های شخصی بسیار کم ارتفاع و دور از خیابانهای اصلی بودند. برعکس، در شهرهای یونانی یا پولیسها بر معابد، استادیوم، آگورا^۱ (فضای باز که محل بازار و مباحث عمومی بود) و تئاتر تأکید فراوانی می‌شد. برای مثال، در شهر بزرگ آتن ساختمانهای عمومی بسیار بزرگ و باشکوهی وجود داشت.

طراحی شهرهای یونانی شبیه به هم بود و شهر دیوارهایی داشت که دور یک تپه احداث شده بود. این تپه آکروپولیس^۲ نامیده می‌شد. آکروپولیسها قلعه‌هایی بودند که در بالاترین نقطه شهر ساخته می‌شدند (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۵۹) و معابد مهمی نیز داشتند؛ در این صورت آکروپولیس مرکز پرستش خدایان بود. در نزدیکی آن آگورا یا میدان بزرگ شهر قرار داشت که این فضای باز دارای دو کارکرد بود: محل ملاقات عمومی و بازار که گاهی به آن یا به بخشی از آن پلازا^۳ می‌گفتند، مفهومی که امروزه برای مراکز خرید به کار می‌رود.

شهرهای مستقل یونان، مثل آتن و اسپارت، هم شاهد حوادث تلخی نظیر جنگ و هم شاهد رویدادهای باشکوهی نظیر بازیهای المپیک بودند. در واقع، یونانیها هرگز موفق نشدند که واحد شهروندی را به ورای شهر - دولت بسط دهند و این یکی از موفقیت‌های بزرگ رومیها بود.

شهرهای روم

اگر یونان معرف فلسفه و هنر بود، روم معرف قدرت و فناوری بود. در دوره سزارهای رومی شهر از نظر فیزیکی به اوج خود رسید. فقط در قرن نوزدهم بود که

1. agora
2. acropolis
3. plaza

اروپا یک بار دیگر شهرهایی به بزرگی شهرهای امپراتوری روم را به خود دید. شهر رم در اوج رشد خود، یک میلیون نفر جمعیت داشت. البته داده‌های مربوط به جمعیت شهرها تا قبل از قرن نوزدهم مبتنی بر برآوردند، نه سرشماری؛ برآورد بدین ترتیب بود که واحدهای مسکونی را می‌شمردند و بر میانگین بعد خانوار (که آن‌هم برآورد بود) ضرب می‌کردند (Palen, 2002).

بزرگ‌ترین شهر باستانی رم بود؛ به طوری که هیچ شهری در دنیا تا دوره انقلاب صنعتی، به اندازه آن جمعیت نداشته است (خمر، ۱۳۸۵) و در قرن دوم میلادی، جمعیتش در حدود یک میلیون نفر بود. رم اولین شهر در تاریخ است که چنین جمعیت زیادی داشت، اما بعد از قرن دوم میلادی، جمعیت آن کاهش یافت و در قرن نهم میلادی به زیر ۲۰۰ هزار نفر رسید (Flanagan, 1999).

پس از افول تمدن یونان، تمدن روم در غرب پدیدار شد. این امپراتوری بسیار مرکز محور بود؛ یعنی همه چیز در روم بود. در سالهای نزدیک به تولد حضرت مسیح، روم قدرت مسلط در دنیای غرب بود و جمعیت زیادی داشت. رم ویژگیهای دیگر شهرهای اولیه را داشت: شرایط خوب محیطی، تولید اضافی و ساختار اجتماعی پیچیده. همانند یونان، روم نیز مملو از آثار هنری، علمی و اماکن عمومی بود؛ ولی تجلی قدرت نظامی در روم به مراتب بیشتر بود. امپراتوری روم به تدریج گسترش بسیاری یافت و از مدیترانه تا شمال آفریقا، از مصر تا خاورمیانه، و بخش عمده اروپا را دربر گرفت. تقریباً نیمی از جمعیت دنیا تحت پوشش این امپراتوری بود.

شهرهای یونان به شدت بر ایده رومیها در مورد ساخت شهر، تأثیر گذاشتند؛ به خصوص در زمینه ساخت ساختمانهای عمومی، خیابانهای مورب، تئاتر و استادیوم. برخلاف شهرهای کوچک و منزوی یونانی، تجار رومی کالاها را در سراسر امپراتوری روم از ایران تا اسکاتلند، خرید و فروش می‌کردند. هم شکل فیزیکی و هم ساختار اجتماعی شهرهای رومی نشان‌دهنده نظام امپراتوری، یعنی مرکز قدرت سیاسی و نظامی بود.

طراحی فیزیکی شهر رم شبیه به سایر شهرهای دیگر نقاط بود. در مرکز شهر،

یک بازار، یک محل مباحثه^۱ و مجموعه‌ای از ساختمانهای بزرگ قرار داشت. کمی دورتر خیابانهای اصلی و عریضی بودند که طراحی دقیقی داشتند. جاده و خیابان‌سازی، از مهم‌ترین دستاوردهای روم بود؛ جاده‌سازی هم زیاد و هم با دقت ساخته می‌شد. این جاده‌ها رم را به شهرهای بزرگ آن وصل می‌کردند. بسیاری از شهرهای بزرگ اروپای امروزی، مثل لندن، پاریس، وین و کلن، روزگاری جزء امپراتوری روم و بسیاری از آنها همچون کمپ نظامی روم بودند و برای همین شکل شطرنجی داشتند؛ مستطیلی شطرنجی که در هر طرف آن دروازه‌ای وجود داشت. شهرهای تحت حاکمیت رومیها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: شهرهایی که از قبل وجود داشتند و شهرهای جدیدی که رومیها ایجاد کردند. در شرق بیشتر شهرهایی بودند که از قبل وجود داشتند؛ مثل: شهرهای مصر و شهرهای یونانی. اما رومیها سیستم شهری خود را در غرب، یعنی اروپا، ساختند. به همین جهت بسیاری از این شهرها از لحاظ طراحی خیلی شبیه به هم بودند. روم نه فقط صادرکننده کالا بود، بلکه صادرکننده ایده و اندیشه نیز بود، مثل: قانون رومی، مهندسی رومی و حکومت رومی. در دوره امپراتوری روم راهها و جاده‌های زیادی ساخته شد که کیفیت ساختشان حتی از استانداردهای امروزی نیز بالاتر بود.

در رم، حمامهای عمومی بزرگ، فواره‌های فراوان، شیرهای آب، جایگاه آتش‌نشانی در کنار خیابانها و سیستم زهکشی آب وجود داشت (Mumford, 1961). شاید مهم‌ترین موفقیت این شهر، سیستم مجرای آب آن بود که بعداً در سایر شهرهای اروپا اجرا شد. این سیستم، آب تازه را از فاصله زیاد به شهر می‌آورد؛ مثل سیستم آب زیرزمینی که اکنون برخی از شهرها همچون نیویورک از آن استفاده می‌کنند (Macionis et al., 2001). خانه‌های شهرهای روم اغلب از چوب ساخته می‌شدند؛ بنابراین، همواره در معرض خطر آتش‌سوزی بودند.

رومیها به جهت ترقی در امور مالی و اقتصادی، فراغت زیادی داشتند؛ برای مثال آنان به تماشای نبردهای گلادیاتوری در کلوزیوم^۲ ها مشغول می‌شدند.

1. forum
2. colosseum

(Palen, 2002). این نبردها و سیرک از جمله فعالیتهای رایج در روم بودند. به طور کلی، در روم تقابلهای فرهنگی و اقتصادی زیادی بروز می کرد؛ مانند پیشرفت در امور مهندسی در کنار وحشی گریهای نظامی (Macionis et al., 2001). در حالی که در روم یک گروه اقلیت نخبه از تمام امکانات برخوردار بودند؛ فقرا سهم زیادی از ثروت روم را نداشتند. مامفورد معتقد است که در شهر رم بیش از ۲۰۰ هزار فقیر وجود داشت که به طور مرتب سهمیه نان دریافت می کردند (Mumford, 1961). امپراتوری روم گرچه در زمینه نحوه اداره و ساخت تأسیسات زیربنایی موفقیتهای زیادی داشت، در زمینه توسعه اجتماعی چندان موفق نبود؛ در حالی که در شهرهای یونان مشارکت در زندگی شهری بسیار حاکم بود. رومیها نوعی ساختار سلسله مراتبی در شهرها پدید آوردند و امپراتوران رومی خود را خدا می پنداشتند. پس از مدتی، رم رو به افول نهاد. افول آن از ۴۵۰ میلادی شروع شد و در قرن ششم به یک شهر بسیار کوچک تبدیل شد (Macionis et al., 2001).

شهرهای منطقه امریکا

آخرین کانون شناخته شده پیدایش شهرها، منطقه مرکزی مکزیک، گواتمالا و جنوب امریکاست. در شهرهای این منطقه نیز الگوهای مشابهی مشاهده شده است؛ یعنی فناوری پیشرفته کشاورزی و وجود ساختاری اجتماعی پیچیده. ولی در عین حال تفاوتهایی نیز با سایر نقاط دارد.

اگرچه از حدود ۷ هزار سال قبل از میلاد در این منطقه مردم به کشت گیاهان می پرداختند، برخلاف سایر نقاط جهان، در آن شهری پدیدار نشد؛ زیرا این منطقه برای تولید اضافی، به سبب وجود زمینهای سنگی و کوهستانی مناسب نبود. به علاوه، مردم فاقد حیوانات اهلی بودند. در این منطقه از چوب سستی نوک تیز برای کشت بذر استفاده می شد نه گاو آهن و به جای گندم، کشت ذرت غالب بود. در هزار و پانصد قبل از میلاد، دهکدههایی با خانههای گلی در این منطقه وجود داشت. در برخی از آنها، قبیله مایا^۱ مراکز تشریفاتی و مراسمی بنا کرد. برخی از این مراکز

به تدریج رشد کردند و قبل از تولد مسیح به شهر تبدیل شدند. معروف‌ترین امپراتوری شهری در این منطقه متعلق به اینکا^۱ است.

شهرهای امریکای مرکزی به مراتب دیرتر از منطقه بین‌النهرین یا چین پدیدار شدند. زندگی متمرکز کشاورزی در مکزیک از حدود ۴ هزار سال قبل از میلاد شروع شد. اولین شهرها در این منطقه به وسیله اولمکها^۲ و فرزندانشان یعنی مایاها ساخته شد. اختلاف نظر علمی زیادی وجود دارد که آیا مراکز سکونتگاهی مکزیک را می‌توان شهر واقعی تلقی کرد یا نه. دو ویژگی اصلی متمایز کننده مراکز سکونتگاهی امریکای مرکزی از سایر شهرهای اولیه در جهان هستند: اول این که، شهرهای امریکای مرکزی بیشتر مراسمی^۳ بودند تا تجاری؛ به طوری که ویژگی معماری این شهرها بیشتر بناهای مذهبی بودند. دوم، در حالی که شهرهای باستانی دیگر کانون جمعیت فراوانی بودند، در شهرهای امریکای مرکزی جمعیت درون دیوارهای شهر نبودند، بلکه در یک منطقه وسیع پخش بودند (Flanagan, 1999).

شهرهای ایران

فرایند شهرنشینی و شهرسازی ایران را می‌توان در دو دوره کلی قبل از اسلام و بعد از اسلام بررسی کرد:

۱. شهرنشینی و شهرسازی قبل از اسلام: این دوره حدوداً از قرن نهم قبل از میلاد شروع می‌شود و تا قرن هفتم میلادی ادامه دارد. در دوره قبل از اسلام، تمدن شهری آغاز می‌شود و با حمله مسلمانان به ایران و فتح آن پایان می‌پذیرد. این دوره قبل از اسلام خود به سه مقطع زمانی تقسیم می‌شود: دوره مادی و پارسی،^۴ دوره پارسی - هلنی و دوره حکومت‌های اشکانی و ساسانی.

الف) دوره مادی و پارسی، از قرن نهم قبل از میلاد تا قرن چهارم قبل از میلاد

1. Inca
2. Olmecs
3. ceremonial

۴. البته قبل از این دوره می‌توان به شهر سوخته در کنار دلتای رود هیرمند اشاره کرد که در هزاره‌های دوم و سوم قبل از میلاد شهر مهمی بود.